

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ضابطان دادگستری
در فرآیند دادرسی ایران و فرانسه



مؤلفان

مهدی رحیمی

ابراهیم قاندى

پژوهشگر و مدرس دانشگاه

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	: رحیمی دهنسوری، مهدي، ۱۳۶۰-
عنوان قراردادى	: ايران. قوانين و احكام Iran.Laws, etc
	: فرانسه . قوانين و احكام France.Laws,etc
عنوان و نام پديدآور	: ضابطان دادگستري در فرآيند دادرسي ايران و فرانسه / مهدي رحيمي دهنسوري، ابراهيم قائدى.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهري	: ۲۴۸ ص؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۵۸-۳
وضعيت فهرست نويسى	: فيپا
يادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: ضابطان دادگستري -- ايران -- شرح وظائف Bailiffs -- Iran -- Job descriptions ضابطان دادگستري -- فرانسه -- شرح وظائف Bailiffs -- France -- Job descriptions ضابطان دادگستري -- وضع حقوقى و قوانين -- ايران Bailiffs -- Legal status, Laws, etc. -- Iran ضابطان دادگستري -- وضع حقوقى و قوانين -- فرانسه Bailiffs -- Legal status, Laws, etc. -- France حقوق تطبيقي Comparative law
شناسه افزوده	: قائدى، ابراهيم، ۱۳۶۸-
رده بندى كنگره	: KMH۱۶۲۴
رده بندى ديوبى	: ۳۴۷/۵۵۰ ۱۶
شماره كتابشناسى ملي	: ۸۷۷۴۶۴۷
اطلاعات ركورد كتابشناسى: فيپا	

نام كتاب	: ضابطان دادگستري در فرآيند دادرسي ايران و فرانسه
ناشر	: چتر دانش
مؤلفان	: مهدي رحيمي - ابراهيم قائدى
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۴۰۱
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۵۸-۳
قيمت	: ۱۵۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مركزى: تهران، ميدان انقلاب، خمينبرى جاويد(ارديهشت شمالي)، پلاک ۸۸

تلفن مركز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه كتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الكترونيك: nashr.chatr@gmail.com

كليہ حقوق برآى مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند. منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آن‌ها از یک سو و تناسب آن‌ها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منحصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

فهرست

۹.....	ماده ۲۹
۱۰.....	ماده ۳۰
۵۳.....	ماده ۳۱
۵۷.....	ماده ۳۲
۵۷.....	ماده ۳۳
۶۶.....	ماده ۳۴
۶۶.....	ماده ۳۵
۷۸.....	ماده ۳۶
۸۴.....	ماده ۳۷
۸۴.....	ماده ۳۸
۸۴.....	ماده ۳۹
۸۴.....	ماده ۴۰
۱۰۰.....	ماده ۴۱
۱۰۵.....	ماده ۴۲
۱۰۸.....	ماده ۴۳
۱۳۷.....	ماده ۴۴
۱۶۱.....	ماده ۴۵
۱۷۱.....	ماده ۴۶
۱۸۴.....	ماده ۴۷
۱۸۴.....	ماده ۴۸
۱۸۴.....	ماده ۴۹
۱۸۵.....	ماده ۵۰
۱۸۵.....	ماده ۵۱
۱۸۵.....	ماده ۵۲
۱۸۵.....	ماده ۵۳
۲۰۲.....	ماده ۵۴

۲۰۵.....	ماده ۵۵.....
۲۰۵.....	ماده ۵۶.....
۲۱۳.....	ماده ۵۷.....
۲۱۸.....	ماده ۵۸.....
۲۲۰.....	ماده ۵۹.....
۲۲۳.....	ماده ۶۰.....
۲۲۶.....	ماده ۶۱.....
۲۲۸.....	ماده ۶۲.....
۲۲۸.....	ماده ۶۳.....
قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب	
۲۳۵.....	۱۳۷۳/۱۱/۸.....
۲۴۰.....	متن کامل فرمان ۸ ماده ای امام خمینی.....
۲۴۸.....	فهرست منابع.....

مقدمه مؤلف

«يَا مَنْ ذَلَّنِي عَلَى نَفْسِيهِ، وَذَلَّلَ قَلْبِي بِتَصَدِيقِهِ، أَسْأَلُكَ الْأَمْنَ وَالْإِيمَانَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ إمام رضا(ع) در دعا می فرمودند: ای کسی که مرا به خودت رهنمون شدی و دلم را به تصدیقت رام ساختی، امنیت و ایمان را در دنیا و آخرت، از تو درخواست می کنم.»

(الکافی، ج ۲، ص ۵۷۹، ح ۹)

«امنیت»، یکی از بزرگترین و گواراترین نعمت‌های الهی است که با نعمت سلامتی جسم (تن درستی) برابری می کند، همه مردم به آن نیاز دارند و بدون آن، شادی در زندگی بی مفهوم می شود.

لذا با توجه به اهمیت موضوع امنیت می توان به ارزش بالای اقدامات تامین کنندگان امنیت پی برد و تلاش کرد که این امر یعنی ایجاد و حفظ امنیت به بهترین شکل ممکن صورت پذیرد که یکی از مهمترین ارکان در تحقق هدف فوق داشتن نیروی انسانی آگاه به قوانین و وظایف خود از جمله ضابطین قضایی می باشد.

نگارندگان در این نوشتار سعی بر آن دارند تا مواد مربوط به ضابطین دادگستری در قانون آیین دادرسی کیفری (مواد ۲۸ تا ۶۳) را به صورت تفصیلی مورد بررسی قرار دهند و با ذکر تفسیر اساتید برجسته حقوق و نیز مواد مرتبط از قوانین دیگر و نیز تطبیق با قانون آیین دادرسی کشور فرانسه قدمی در این راستا برداشته باشیم.

از پیشنهادات خود ما را جهت ارتقاء مطالب این کتاب در چاپ‌های بعدی از طریق آدرس زیر ما را بهره مند کنید.

mahdi.rahimi1395@yahoo.com

در پایان بر خود لازم می‌دانیم از اساتید خود در طول سال‌های تحصیل
تشکر و قدردانی نماییم.

ماده ۲۸

ماده ۲۸ ق.آ.د.ک: «ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می‌کنند.»

ماده ۲۹

ماده ۲۹ ق.آ.د.ک: «ضابطان دادگستری عبارتند از:

الف- ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند.

ب- ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می‌شوند.

تبصره- کارکنان وظیفه، ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند، اما تحت

نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسؤولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است. این مسؤولیت نافی مسؤولیت قانونی کارکنان وظیفه نیست.»

ماده ۳۰

ماده ۳۰ ق.آ.د.ک: «احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است.

تبصره ۱- دادستان مکلف است به‌طور مستمر دوره‌های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت‌های لازم و ایفاء وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار نماید.

تبصره ۲- آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری و با همکاری وزرای اطلاعات، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و کشور و فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تهیه می‌شود و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد.»

سابقه قانون گذاری

ماده ۱۹ قوانین موقت محاکمات جزایی^۱ مصوب ۱۳۹۰/۰۶/۱۱: «ضابطین عدلیه عبارتند از مأمورینی که مکلفند به تفتیش و کشف جرایم (خلاف و جنحه و جنایت) و به اقداماتی که برای جلوگیری مرتکب یا متهم از فرار یا مخفی شدن موافق مقررات قانون باید به عمل آید ضابطین مذکوره به ترتیب ذیل

۱- قانون فوق تحت عنوان «کتاب چهارم: قوانین موقتی محاکمات جزایی» در کتابخانه مجلس شورای ملی با شماره ۲۸۲۴۳ به ثبت رسیده است و جزو مجموعه ادواری قوانین محسوب نمی‌گردد. با این وجود به دلیل اهمیت و همچنین به دلیل قرابت تاریخی، در لوح قانون به‌عنوان یکی از قوانین دوره اول قانونگذاری محسوب گردیده است.

تقسیم می‌شوند (اول) مدعی عمومی ابتدایی و معاونین او (دوم) مستنطق (سوم) کمیسرهای پلیس و قائم مقام آنان (چهارم) صاحبان مناصب و رؤساء بریکاد ژاندارم و امنیه مدعی عمومی رییس ضابطین عدلیه محسوب ولی مأموریت مخصوص و عمده او تعقیب امور جزایی است حدود وظایف هر کدام از مأمورین مذکوره به طوری است که در این باب مقرر است.»

ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸: «ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌نمایند و عبارتند از:

- ۱- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
 - ۲- رؤسا و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان.
 - ۳- مأمورین نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به موجب قوانین خاص و در محدوده وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند.
 - ۴- سایر نیروهای مسلح در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف ضابط بودن نیروی انتظامی را به آنان محول کند.
 - ۵- مقامات و مأمورینی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند.
- تبصره- گزارش ضابطین در صورتی معتبر است که موثق و مورد اعتماد قاضی باشند».

قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه^۱

ماده ۱۲: «پلیس قضایی تحت مدیریت دادستان شهرستان از طریق افسران، کارمندان و مأموران خاص مذکور در بخش حاضر انجام وظیفه می‌کند.

۱- ۱۲: «دادستان شهرستان و بازپرس در آموزش‌های افسران پلیس قضایی

۱- تدین، دکتر عباس، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، معاونت حقوقی قوه قضاییه، چاپ دوم، ۱۳۹۴

آزادی انتخاب دارند.»

ماده ۱۳: «پلیس قضایی، در هر حوزه قضایی دادگاه تجدید نظر، تحت نظارت دادستان استان و تحت کنترل شعبه تحقیق، مابق با ماده ۲۲۴ و مواد بعدی، استقرار می‌یابد.»

ماده ۱۴: «پلیس قضایی، با توجه به تفکیک‌های پیش‌بینی شده در این بخش، کشف جرایم مذکور در قانون جزا، جمع‌آوری ادله و جستجوی مرتکبین جرائم، هرچند که تحقیقات شروع نشده باشد را بر عهده دارد. در صورتی که تحقیقات شروع شده باشد، پلیس عهده‌دار انجام نیابت‌های مراجع تحقیق و انجام درخواست‌های آنهاست.»

ماده ۱۵: «پلیس قضایی تشکیل شده است از:

- ۱- افسران پلیس قضایی؛
- ۲- مأموران پلیس قضایی و مأموران معاون پلیس قضایی؛
- ۳- کارمندان و مأمورانی که در برخی از قوانین خاص، عهده‌دار انجام وظایف پلیس قضایی هستند. ...»

ماده ۱۶: «شاخص زیر دارای عنوان افسر پلیس قضایی هستند:

- ۱- شهرداران و معاونان آنها؛
- ۲- افسران و درجه‌داران ژاندارمری، ژاندارم‌های ژاندارمری در صورتی افسر پلیس قضایی محسوب می‌شوند که حداقل سه سال سابقه خدمت در ژاندارمری داشته باشند و بعد از نظر موافق کمیسیون، حسب حکم وزرای دادگستری و کشور به اسم تعیین شوند؛
- ۳- بازرس‌های کل، معاونان پلیس فعال، کنترل‌کنندگان عمومی، کمیسرهای پلیس و افسران پلیس؛

۴- کارمندان مرکز سازماندهی و اجرایی پلیس ملی، مشروط بر اینکه حداقل دارای سه سال سابقه مار در این واحد باشند و بعد از موافقت کمیسیون حسب حکم وزرای دادگستری و کشور به اسم تعیین شده باشند.

ترکیب کمیسیونهای مذکور در بندهای شماره ۲ تا ۴ به وسیله آیین نامه

مدیریت دولتی و مطابق نظر وزیر دادگستری و وزرای مربوطه تعیین خواهد شد. همچنین اشخاصی که عهده‌دار مدیریت یا معاونت پلیس قضایی در وزارت کشور و مدیریت و معاونت ژاندارمری در ارتش هستند، افسر پلیس قضایی محسوب می‌شوند.

کارمندان مذکور در بندهای ۲ تا ۴ این ماده، در صورتی می‌توانند به طور قطعی اختیارات و صلاحیت‌های مربوط به عنوان افسر پلیس قضایی را اجرا کنند که برای انجام این وظیفه به کار گماشته شده باشند و بر طبق تصمیم دادستان استان در دادگاه تجدیدنظر، شخصا در انجام این وظایف دارای صلاحیت قانونی گردند. هنگامی که این مأموران به صورت یک واحد متشکل، در عملیات حفظ نظم، مشارکت می‌نمایند، اختیارات پلیس قضایی اشخاص فوق موقتا به حالت تعلیق در می‌آید. هنگامی که این اختیارات مربوط به واحدی می‌شود که صلاحیت آن از حوزه دادگاه تجدیدنظر فراتر می‌رود، دادستان استانی که در مرکز کار آنها انجام وظیفه می‌نماید، درباره صلاحیت و اختیار آنها تصمیم می‌گیرد.

با این وجود کارمندان مذکور در بند شماره ۴ در صورتی می‌توانند صلاحیت و اختیار پیش‌بینی شده در بند پیشین را داشته باشند که در واحد یا طبقه‌ای از واحدهای معین شده در اجرای ماده ۱-۱۵ به کار گماشته شده و در فهرست مذکور در حکم وزرای دادگستری و کشور ذکر شده یا به صورت استثنایی، در تشکیلات واحد مذکور با همان حکم به کار گماشته شده باشد.

شرایط اعطاء، استرداد و تعویق صلاحیت و اختیار پیش‌بینی شده در بند پیشین برای مدت معین، در آیین‌نامه شورای دولتی و بر طبق گزارش وزیر دادگستری و وزرای مربوطه تعیین می‌شود. ...»

ماده ۱۷: «افسران پلیس قضایی وظایف مذکور در ماده ۱۴ را انجام می‌دهند؛ آنها شکایت‌ها و اعلام جرم‌ها را دریافت می‌کنند؛ آنها در شرایط مذکور در مواد ۷۵ تا ۷۸ به تحقیقات ابتدایی می‌پردازند.

در جنایات و جنحه‌های مشهود، آنها وظایف مذکور در مواد ۵۳ تا ۶۷ را انجام

می‌دهند. آنها حق دارند برای انجام وظایف خود به طور مستقیم قوای دولتی را مورد درخواست قرار دهند.»

قانون مزبور در مواد بعدی تا ماده ۲۹ به تفصیل در مورد «مأموران پلیس قضایی»، «کارمندان و مأموران مسؤول برخی وظایف پلیس قضایی» سخن می‌گوید.

گفته‌ها در مورد ماده ۲۸ ق.آ.د.ک

۱- «ضابط» در لغت به معنی «نگاه‌دارنده، حفظ‌کننده، نیرومند، حاکم و قائد» آمده است؛ و از ریشه‌ی «ضبط» به معنی «نگاه داشتن، حفظ کردن، محکم کردن و نگهداری» می‌باشد. (آخوندی، آ.د.ک، ج دوم، ص ۲۵)

۲- در فرهنگ‌های لغت فارسی ضابط در معانی «نگاه‌دارنده، حفظ‌کننده، آن که شهری را از جانب سلطان اداره کند، شحنه، حاکم، والی، متقن، مثبت؛ نیرومند، قوی؛ محصل مالیات؛ ممیز و مفتش حساب؛ مباشر» آمده است. و جمع آن «ضابطون، ضابطین، ضباط و ضوابط» است. (محمد معین، فرهنگ فارسی، ج دوم، صفحه ۲۱۷۸، واژه ضابط)

۳- در ترمینولوژی حقوق «ضابط» به شرح زیر تعریف شده است:

«بلوک را به چند ناحیه تقسیم کرده و برای هر ناحیه اداره‌ای به عنوان اداره‌ی ناحیتی تاسیس و رییس آن اداره (که نماینده وزارت کشور در آن ناحیه بود) را ضباط یا مباشر می‌گفتند که به تصویت نایب‌الحکومه‌ی بلوک و امضای حاکم ولایت به سمت خود منصوب می‌شد و کدخدایان دهات تابع او بودند و حفظ امنیت و رفاه و نظم ناحیه‌ها به عهده‌ی ضابطان بود. (ماده ی ۳۶۵ به بعد قانون تشکیل ایالات و ولایات مصوب ۱۳۲۵ قمری)» (جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۴۱۳، شماره ۳۳۰۲)

۴- ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که رأساً و یا تحت نظارت و تعلیمات مقامات قضایی، به ویژه دادرها، به کشف جرم، دستگیری، بازجویی مقدماتی از مظنونان، جلوگیری از فرار یا پنهان شده مظنونان و متهمان و سرانجام، حفظ

آثار و دلایل جرم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی طبق ضوابط قانونی اقدام می‌کنند. (آشوری، آ.د.ک، ج اول، ویراست پنجم، ص ۲۴۰)

۵- ضابطان دادگستری بازوی اجرایی دادسراها و دادگاه‌ها در انجام وظایفشان هستند. قانون تکالیف زیادی بر عهده ضابطان دادگستری قرار داده که از نخستین لحظه‌های پس از وقوع جرم تا واپسین دقایق اجرای مجازات را در بر می‌گیرد و شامل کشف جرم، گزارش وقوع آن به دادسرا، جلوگیری از محو دلایل و آثار جرم، ممانعت از فرار متهم، انجام دستورات مقامات قضایی در تحقیق و بازجویی و ابلاغ اوراق قضایی می‌شود. (خالقی، آ.د.ک، ج اول، چاپ سی و سوم، ص ۶۳)

۶- در واقع ضابطان دادگستری بازوان اجرای مقامات قضایی هستند. در برخی جرائم، بازپرس می‌تواند در اجرای ماده ۹۸ تحقیق از شهود و مطلعان و جمع‌آوری اطلاعات و ادله وقوع جرم یا هر اقدام قانونی دیگر را به ضابطان دادگستری ارجاع دهد که در این صورت ضابطان تحت نظارت بازپرس وظایف محول شده را انجام خواهند داد. نک: ماده ۹۸. (خالقی، نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری، چاپ پانزدهم، ص ۷۱)

۷- [ضابطان] در اصطلاح حقوقی و قضایی مأمورینی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان یا سایر مقام‌های قضایی در کشف جرم، تحقیق مقدماتی، حفظ آثار و دلایل آن و جلوگیری از فرار و پنهان شدن متهم، به موجب مقررات قانون اقدام می‌نمایند. ... قاعده کلی این است که هیچ کس را نمی‌توان ضابط قضایی محسوب نمود مگر این‌که، قانون این سمت را به وی تجویز کرده و به رسمیت شناخته باشد. (صادق‌منش، ضابطان قضایی، مرکز آموزش قوه قضاییه، چاپ سوم، ص ۳۷)

۸- ضابطان دادگستری در جرایم مشهود حسب وظیفه ذاتی خود در جرایم غیرمشهود حسب دستور مقام قضایی وظیفه انجام تحقیقات مقدماتی را به عهده دارند؛ بنابراین با توجه به ماده ۲۸ ضابطان در چهار حوزه تکلیف دارند:

۱- کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم ۲- تحقیقات مقدماتی ۳- ابلاغ اوراق

۴- اجرای احکام و تصمیمات قضایی.

به تعبیر دقیق‌تر تا قبل از اطلاع به دادستان، ضابطان بر اساس ذیل ماده ۴۴ مکلف هستند در جرایم مشهود تمام اقدامات لازم را برای حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و تبانی، به عمل آورند؛ اما پس از اطلاع به دادستان، اعم از جرم مشهود و غیرمشهود، مرحله تحقیقات مقدماتی آغاز می‌شود که انجام تحقیقات مقدماتی در این مرحله به عهده مقامات قضایی است و ضابطان نیز مکلف هستند وظایف مقرر در ماده ۲۸ را تحت نظارت دادستان انجام دهند. ملاحظه می‌شود با این بیان، وظایفی که در ماده ۴۴ به عهده ضابطان قرار دارد، مربوط به تحقیقات مقدماتی نیست؛ بلکه جزء مرحله تعقیب به شمار می‌آید و تکالیفی که در ماده ۲۸ بیان شده است مربوط به مرحله تحقیقات مقدماتی است. (عابدی، احمدرضا، آیین دادرسی کیفری، مرکز آموزش قوه قضاییه، چاپ دوم، ص ۱۶۲)

۹- قانون‌گذار در ماده ۹۰ در تعریف تحقیقات مقدماتی «مجموعه اقدامات قانونی برای حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم» را به عنوان تحقیقات مقدماتی تعریف کرده است؛ در ماده ۲۸ همین اقدامات را، هم‌ردیف و قسیم تحقیقات مقدماتی قرار داده است. در جمع این دو ماده باید گفت آنچه به عنوان اولین تکلیف ضابطان در ماده ۲۸ بیان شده است، یعنی «کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم»، مربوط به اقداماتی است که ضابطان در راستای ذیل ماده ۴۴ در خصوص جرایم مشهود، پیش از اطلاع به دادستان انجام می‌دهند که این اقدامات اصطلاحاً تحقیقات مقدماتی نامیده نمی‌شود؛ اما «اقدامات قانونی برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم» که در ماده ۹۰ ذکر شده است، مربوط به اقداماتی است که پس از اطلاع به دادستان و با دستور مقام قضایی (در همه جرایم، اعم از مشهود و غیرمشهود) انجام می‌شود که این اقدامات اصطلاحاً تحقیقات مقدماتی نامیده می‌شود. (همان، ص ۱۷۱)

گفته‌ها در مورد ماده ۲۹ ق.آ.د.ک

۱- ضابطان دادگستری به سه گروه ضابطان عام، خاص و نظامی تقسیم می‌شوند.^۱ این تقسیم‌بندی در ماده ۲۹ قانون آ.د.ک ۱۳۹۲ و ماده ۶۰۲ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح نیز مشهود است. (آشوری، آ.د.ک، ج اول، ویراست پنجم، ص ۲۴۰)

۲- ضابطان دادگستری در انجام وظایف خود دارای اختیاراتی هستند که می‌تواند حتی منجر به سلب آزادی شهروندان گردد و به همین دلیل ضروری است که افرادی که ضابط محسوب می‌شوند و این اختیارات را دارند به موجب قانون مشخص شوند. از این‌رو، ماده ۲۹ ضابطان دادگستری را احصاء و آنها را به دو دسته می‌کند، ضابطان عام و ضابطان خاص. (خالقی، علی، آ.د.ک، ج اول، چاپ سی و سوم، ص ۶۴)

۳- ضابطان عام از صلاحیت کلی دخالت در مورد هر جرمی برخوردارند. در مقابل، صلاحیت ضابطان خاص محدود به جرائمی خاص یا شرایطی معین بوده، در غیر از آن جرائم یا بدون تحقق آن شرایط حق مداخله و اقدام ندارند. ضابطان خاص به شرح مذکور در بند «ب» فوق حصری نبوده و شامل موارد دیگری نیز می‌شود، به طور مثال: فرمانده هواپیمای (ماده ۳۲ قانون هواپیمایی کشوری مصوب ۱۳۲۸) ... در قوانین مختلف گاه برخی مأموران صریحاً ضابط نامیده می‌شوند، گاه گزارش بعضی از مأموران به عنوان ضابط معتبر تلقی می‌شود بدون اینکه خود آنها ضابط اعلام شوند و گاه بدون ضابط تلقی کردن مأموران، پاره‌ای از وظایفی که معمولاً وظایف ضابطان دادگستری است به آنها محول می‌گردد. (خالقی، علی، نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری، چاپ پانزدهم، ص ۷۲)

۴- در این قانون ضابطان به طور کلی به دو دسته تقسیم شده‌اند: ۱- ضابطان دادگستری ۲- ضابطان نظامی.

با نگاهی به موقعیت و مسئولیت اشخاصی که به عنوان ضابط معرفی شده‌اند،

۱- ر.ک.: ماده ۲۸ و ۶۰۲ قانون آ.د.ک ۱۳۹۲.

می‌توان گفت ضابطان دادگستری نیز بر دو دسته‌اند، یک دسته ضابط عام هستند و دسته‌ای دیگر ضابط خاص محسوب می‌شوند. ضابطان عام اشخاصی هستند که صلاحیت اقدام درباره کلیه جرایم را دارند مگر آنچه قانون استثنا کرده است. ضابطان خاص [نیز] افرادی هستند که حق دخالت در هیچ جرمی را ندارند مگر آنکه قانون صریحاً تجویز نموده باشد.

شرایط و اوضاع و احوال ارتکاب برخی از جرایم به گونه‌ای است که معمولاً ضابطان عام در محل وقوع جرم حضور ندارند. از این‌رو، به منظور اقدام به موقع در کشف جرم و جمع‌آوری آثار و دلایل آنگاه به موجب قوانین خاص مسئولان و مأمورانی از سازمان‌ها یا ادارات ذی‌ربط در مورد برخی جرایم به عنوان ضابط دادگستری معرفی شده‌اند. (مصدق، محمد، آیین دادرسی کیفری، چاپ هفتم، ویرایش چهارم، ص ۸۰)

۵- در خصوص ضابط بودن سربازان وظیفه که در نیروی انتظامی خدمت می‌کنند، بحث‌های زیادی وجود داشت. نظر اکثریت بر این بود که این سربازان ضابط نیستند که ق.آ.د.ک برای شفافیت هرچه بیشتر نظر غالب را پذیرفته است. (آخوندی، آ.د.ک، ج ۲، ص ۸۵)

۶- منظور از مسئولیت ضابطان و سربازان حسب مورد این است که اگر سرباطان دستورهای ضابطان را آن گونه که دستور داده اند اجرا کنند و این دستورها متضمن جرم یا تخلفی باشد بر اساس مقررات مربوط به اجرای امر امر قانونی در صورت اشتباه قابل قبول سربازان و گمان آنها بر قانونی بودن دستور هرگونه سئولیتی اعم از انضباطی، مدنی و کیفری متوجه ضابطان خواهد بود، لکن اگر سربازان با علم به غیرقانونی بودن دستور آن را بدوا اجرا کنند هرگونه مسئولیت بین آنها مسترکا وجود خواهد داشت. اما اگر سربازان با تخلف از دستور ضابطان یا در خارج از چارچوب خواسته شده از سوی آنان مرتکب جرم یا تخلف یا ایراد خسارتی به دیگری شوند حسب مورد شخص سربازان مسئولیت کیفری انضباطی یا مدنی خواهند داشت و ضابط از این جهت مسئولیتی نخواهد داشت. این سخن بدان معنا نیست که ضابط به دلیل کوتاهی و تقصیر در نظارت

بر رفتارهای سربازان در مقام اجرای دستور آنان مسئولیت انضباطی و گاهی مسئولیت کیفری نداشته باشند. (صادق‌منش، ضابطان قضایی، مرکز آموزش قوه قضاییه، چاپ سوم، پاورقی ص ۵۷)

۷- با توجه به مواد ۶۰۵ و ۶۱۲ ق.آ.د.ک که اصطلاح «ضابط نظامی» را در برابر «ضابط دادگستری» به کار برده است ضابطان نظامی دسته‌ی دومی از ضابطان هستند و نباید آن‌ها را از مصادیق ضابطان خاص دادگستری به شمار آورد. (همان، ص ۵۶)

۸- با توجه به ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) که در مقام بیان صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح مقرر داشته است: جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح به جز جرایم در مقام ضابط دادگستری در سازمان قضایی رسیدگی می‌شود و از سوی دیگر مطابق ماده ۶۰۴ این قانون وظیفه آموزش ضابطین نظامی بر عهده سازمان قضایی نیروهای مسلح است، به نظر می‌رسد ضابطان نظامی جزء ضابطان خاص دادگستری نبوده و نوع سومی از ضابطان محسوب شده و چنانچه این ضابطان در حین انجام وظیفه ضابطیت، مرتکب جرمی شوند رسیدگی به جرایم آنان در صلاحیت دادسرا و دادگاه‌های نظامی است. (مصدق، محمد، آیین دادرسی کیفری، چاپ هفتم، ویرایش چهارم، ص ۸۹)

۹- با عنایت به اطلاق لفظ مأمور مندرج در مواد (۶۰۲ و ۶۰۳) قانون آیین دادرسی کیفری که اعم از کارکنان نظامی و اداری است، کارمندان حفاظت اطلاعات، بازرسی و قضایی نیروهای مسلح در چاقوب مأموریت‌های و تکالیف قانونی، پس از کسب مهارت‌های لازم و اخذ کارت ضابط نظامی برابر مقررات قانونی مذکور می‌توانند به عنوان ضابط نظامی فعالیت کنند. (نظریه کمیسیون قضایی و حقوقی شماره ۷/۳۴/۲۰۳۶۲-۷/۳۴/۴/۲۴)

۱۰- الف- اعضاء سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اجرای مأموریت‌های مقرر در مواد ۲ الی ۵ اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سال ۱۳۶۱ و بند ۲ ماده ۶ قانون تأسیس وزارت اطلاعات مصوب ۱۳۶۲ و مصوبه شماره ۵۲۹

شورای عالی امنیت ملی راجع به حفاظت از هواپیماهای غیرنظامی به عنوان ضابط انجام وظیفه می‌نمایند. ب- مامورین وزارت اطلاعات مطابق بند ب ماده ۱۲۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ در کشف مفاسد کلان اقتصادی و سرقت میراث فرهنگی در مقام ضابط قوه قضاییه اقدامات لازم را به عمل می‌آورند. ج- ضابطین دادگستری در ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری احصاء شده است و سازمان‌های حفاظت اطلاعات و نیروی نظامی و انتظامی به عنوان ضابط دادگستری معرفی نشده‌اند و تعیین نیروی انتظامی به عنوان ضابط دادگستری در ماده ۱۵ قانون نیروی انتظامی در اجرای بند ۲۵ ماده ۴ این قانون سازمانی با سلسله مراتب مستقل و متمرکز به نام «سازمان حفاظت اطلاعات» در نیروی انتظامی تشکیل می‌شود. بند ۲۵ عبارت است از «تلاش مداوم و مستمر در جهت حفظ و صیانت سازمان در زمینه‌های امنیتی» و این سازمان مستقل از نیروی انتظامی است و ضابط دادگستری محسوب نمی‌شود. ضمناً صرف ارجاع برخی از وظایف امور ضابطین به سازمان‌های مذکور دلالت بر ضابط بودن آنان ندارد و این نیازمند تصریح قانون است که این مورد مفقود است. (نظریه ۷/۹۳/۸۶۱- ۹۳/۴/۱۵.ح.ق).

۱۱- تعریف ضابطان دادگستری در ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ آمده و ماده ۲۹ این قانون هم ضابطان عام و خاص را مشخص نموده است. طبق بند الف این ماده ضابطان عام؛ شامل فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوطه را دیده باشند است. بنابراین مقنن در قانون اخیر که پس از لازم الاجراء شدن، طبق ماده ۵۷۰ آن قانون نسخ تمام قوانین قبلی است در مقام بیان ضابط بودن افراد مرتبط با نیروی انتظامی فقط فرماندهان، افسران و درجه‌داران این نیرو را واجد این عنوان دانسته و حتی در تبصره همین ماده کارکنان وظیفه را از شمول ضابط بودن خارج نموده است؛ لذا نمی‌توان هیچ فرد یا نهاد دیگری را که به نحوی وابسته به نیروی انتظامی است ضابط قوه قضاییه محسوب نمود

و آن چه در بند ۵ ماده ۱۵ آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ و بند ب ماده ۲۹ قانون جدید (آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲) به عنوان ضابطین خاص آمده، منصرف از نیروی انتظامی و وابستگان به آن است، به علاوه در تبصره ۳ ماده ۲۳ قانون استخدام ناجا مصوب ۱۳۸۲، به بهره‌گیری از مشارکت‌های مردمی در تحکیم و توسعه نظم و امنیت اجتماعی تحت عنوان «پلیس افتخاری» و پلیس محلی اشاره شده از تعریفی قانونی ضابطان دادگستری خارج است. (نظریه ۷/۳۱۱۴-۱۳۹۳/۱۲/۱۲-ا.ح.ق)

۱۲- بند ب ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که ضابطان خاص را تعریف می‌کند مقرر می‌دارد: «ضابطان خاص شامل مقامات و مأموران خاص به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند...» که مفهوم آن این است که ایشان در خارج از حدود وظایف محوله ضابط محسوب نمی‌شوند. ثانیاً: با توجه به اینکه برابر ماده ۳۰ قانون یاد شده احراز عنوان ضابط دادگستری مستلزم فراگیری مهارت‌های لازم و گذراندن دوره‌های آموزشی خاص می‌باشد و علی‌الاصول دوره‌های آموزشی ضابطان عام و خاص متفاوت است و ضابطان خاص صرفاً در محدوده‌ای که قانون وظایف ضابط بودن را بر عهده ایشان گذاشته است دوره‌های آموزشی را سپری می‌کنند و در خصوص سایر موارد ضابط قلمداد نمی‌شوند بنابراین ارجاع امر به ضابطان خاص در موضوعات جرائم عمومی و نیز مسائلی خارج از وظایف اختصاص یافته به آنها از منظر قانونی مشمول تبصره ماده ۳۲ قانون یاد شده می‌باشد. (نظریه ۷/۹۳۶-۱۳۹۴/۴/۱۴-ا.ح.ق).

۱۳- ضابطان در یک تقسیم‌بندی به ضابطان نظامی و دادگستری تقسیم می‌شوند. تعریف ضابطان نظامی در ماده ۶۰۲ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۹۳ آمده است. این ضابطان همان اختیارات و وظایف ضابطان دادگستری را دارند و تنها در جرایم نیروهای مسلح از آنها استفاده می‌شود. بر اساس ماده ۶۰۵ در غیاب ضابطان نظامی در محل وقوع جرم ضابطان دادگستری وظایف آنان را انجام می‌دهند و پس از حضور ضابطان ادامه تحقیقات

به آنان محول می‌شود؛ مگر اینکه مقام قضایی ترتیب دیگری اتخاذ نماید. ضابطان دادگستری به دو دسته ضابطان عام و خاص تقسیم می‌شوند. البته ضابطان نظامی نیز به دو دسته ضابطان عام و خاص تقسیم می‌شوند که ضابطان عام در بندهای الف، ب، پ، ت و ث ماده ۶۰۳ و ضابطان خاص در موارد خاص بیان شده است؛ از جمله بند ج ماده ۶۰۳، تبصره یک ماده ۶۰۳، ماده ۶۱۰ و ماده ۶۱۱. (عابدی، احمدرضا، آیین دادرسی کیفری، مرکز آموزش قوه قضاییه، چاپ دوم، ص ۱۶۲)

۱۴- ضابطان عام فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی هستند که آموزش مربوطه را دیده باشند. عام بودن ضابطیت ایشان از دو جهت است: الف) محدوده جغرافیایی: در این محدوده وظایف ضابط، تمام حوزه قضایی ذی‌صلاح را در برمی‌گیرد؛ ب) میزان وظایف: در این عامل در خصوص همه وظایف چهارگانه مقرر در ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری یعنی: ۱- کشف جرم، حفظ آثار و ادله و تعقیب متهم ۲- تحقیقات مقدماتی ۳- ابلاغ اوراق ۴- اجرای احکام و تصمیمات قضایی ضابطیت دارد. (همان، ص ۱۶۳)

۱۵- ضابطان خاص کسانی هستند که هم به میزان شرح وظیفه، بخشی از وظایف ضابطان را بر عهده دارند و هم حوزه مأموریت آنان محدود است. ضابطان خاص به موجب قوانین خاص تعیین می‌شوند. ضابطان خاص را می‌توان به سه نوع تقسیم کرد:

۱. ضابطانی که فقط وظیفه تحقیقات مقدماتی (وظایف مذکور در ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری) را برعهده دارند. (بسیج، سپاه، اطلاعات سپاه، وزارت اطلاعات، رؤسا و معاونان زندان، فرمانده هوایما، مأمورین انتظامی پلیس راه‌آهن، مأمورین شکاربانی، مأمورین سازمان محیط زیست، نیروهای محافظ سازمان میراث فرهنگی، مأمورین یگان حفاظت گمرک، فرمانده کشتی، ناظران شرعی، مأموران واحد تحقیق در دادسرا و دادگاه‌های ویژه روحانیت، حفاظت اطلاعات قوه قضایی)

۲. ضابطانی که فقط وظیفه گزارش دارند. (مأمورین شهرداری، مأمورین منابع

طبیعی و وزارت جهاد کشاورزی، مأمورین وزارت نیرو، بازرسان تأمین اجتماعی، بازرسان اداره کار، مأمورین وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، مأمورین سازمان آب و برق)

۳. ضابطانی که قانون به ضابط بودن ایشان تصریح نکرده است؛ لکن وظیفه ضابطان را (گزارش‌دهی و اجرای برخی از دستورات مفاد ماده ۴۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری) به عهده ایشان گزارده است؛ مانند مقامات و اشخاص رسمی موضوع ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری (البته تعریف درستی از مقامات و اشخاص رسمی در قانون وجود ندارد؛ در نتیجه برای فهم این مسئله باید به ماده ۳ و ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس، ماده ۵۹۸ تعزیرات و ماده ۴۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری رجوع کرد) (مأمورین وزارت جهاد کشاورزی، مأمورین وزارت مسکن و شهرسازی، اعضای شورای اسلامی روستا، بازرسان و کارشناس مؤسسه استاندارد، کلیه رؤسای سازمان‌های دولتی و وابسته به دولت، پزشکان شاغل در سازمان پزشکی قانونی، کارشناسان رسمی دادگستری). (همان، ص ۱۶۴)

گفته‌ها در مورد ماده ۳۰ ق.آ.د.ک

۱- شرایط مقرر در ماده (۳۰) برای ضابطین کافی نمی‌باشد؛ باید شرط وثاقت و مورد اعتماد قاضی بودن ملحوظ گردد و الا خلاف موازین شرع است، در تبصره (۲) ماده (۳۰)، تصویب آیین‌نامه در این خصوص طبق اصول ۱۵۶، ۱۵۷ و ۱۵۸ قانون اساسی از وظایف رئیس قوه قضائیه و سلب حق از رئیس قوه و اعطاء آن به قوه مجریه مغایر اصول مذکور شناخته شد. (نظریه شورای نگهبان).

۲- در متن ماده، عبارت «وثاقت و مورد اعتماد بودن» بنابر ایراد و برای تأمین نظر شورای نگهبان اضافه شده و منظور شورا این بوده که ضابطان، مورد وثوق و اعتماد مقام قضایی هم باشند، امری که حصول آن با تعداد زیاد ضابطان در هر حوزه قضایی آسان نیست. (خالقی، علی، نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری، چاپ پانزدهم، ص ۷۵)

۳- تا پیش از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، احراز و تصدی این عنوان [ضابط دادگستری] صرفاً تابع پیش‌بینی شده مقامات و مأموران و افسران مورد نظر در قانون بود و شرط دیگری نداشت؛ اما با تصویب قانون یاد شده، شرایطی پیش‌بینی شده که امکان دارا شدن این عنوان را از بعضی از اشخاص و مقامات به صرف نداشتن این شرایط سلب می‌کند، حتی اگر از این اشخاص یا مقامات در قانون به عنوان ضابط نام برده شده باشد. این شرایط عبارتند از وثاقت و مورد اعتماد بودن، کسب مهارت و گذراندن آموزش‌های لازم، داشتن کارت ویژه. ... (صادق‌منش، ضابطان قضایی، مرکز آموزش قوه قضاییه، چاپ سوم، ص ۶۳)

۴- طبق ماده ۳۰ آموزش پایوران برای صدور کارت ضابطان مستلزم کسب دو دسته از آموزش‌هاست؛

- آموزش‌های عملی به منظور کسب مهارت

- آموزش‌های نظری به منظور کسب دانش لازم

در واقع آموزش‌های عملی ضابطان می‌تواند در قالب کارورزی در شعب قضایی یا به صورت کارگاه‌های مطالعه‌ی موردی یا فعالیت‌های تمرینی ضابطی زیر نظر قضات با تجربه باشد.

از سوی دیگر، آموزش‌های نظری نیز که مشتمل بر آشنایی با اخلاق حرفه‌ای ضابطان، وظایف و اختیارات ضابطان، مسئولیت‌ها و مصونیت‌های آنان، مسائل مربوط به علوم جرم‌یابی و کشف جرم و نیز اهم مسائل حقوق جزای عمومی و اختصاصی می‌باشد.

ناگفته نماند، که در راستای تأمین اهداف بهره‌وری آموزشی در حوزه‌ی تخصصی ضابطان با توجه به ماده‌ی ۳۰ اگر آموزش‌های طی شده زیر نظر مقام قضایی نباشد از اعتبار لازم برخوردار نخواهد بود. (همان، ص ۶۵)

۵- احراز عنوان ضابط دادگستری، منوط به وجود دو شرط است. نخست آنکه وثاقت و مورد اعتماد بودن ضابط احراز شود (هرچند که در عمل، برای احراز این موضوع راهکاری ارائه نشده است) سپس مهارت‌های لازم را با گذراندن دوره‌های

آموزشی زیر نظر مقام قضایی فراگرفته و کارت ویژه ضابطیت دادگستری را اخذ نماید. زیرا تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است. (مصدق، محمد، آیین دادرسی کیفری، چاپ هفتم، ویرایش چهارم، ص ۱۰۴)

۶- برابر صراحت بند الف ماده ۲۹ و ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری صرفاً آن دسته از افسران درجه‌داران نیروی انتظامی که برابر مقررات قانونی مذکور پس از فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط کارت ویژه ضابطان دادگستری را تحصیل نمایند به عنوان ضابط دادگستری محسوب می‌شوند و سایر کارکنان نیروی انتظامی که واجد شرایط قانونی مذکور نباشند ضابط عام دادگستری محسوب نمی‌شوند. سایر کارکنان نیروی انتظامی که ضابط نیستند در صورت برخورد با جرایم مشهود اشاره شده در تبصره ۱ ماده ۴۵ ق.آ.د.ک برابر مقررات مذکور می‌توانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم انجام دهند. (نظریه کمیسیون قضایی و حقوقی شماره ۷/۳۴/۲۷۷۱۷-۹۶/۵/۲۸)

۷- مراجع انتظامی باید کارت ضابطیت داشته باشند. یکی از وظایف دادستان نظارت بر این مسئله است. معمولاً در استان‌ها برای انجام این وظیفه همه رؤسای کلانترها، فرماندهان پاسگاه‌ها، معاونان نیروی انتظامی و رؤسای ادارات آگاهی، در این خصوص آموزش‌های لازم دیده‌اند، کارت ضابطیت برای ایشان صادر شده و مکاتبات قضات خطاب به این اشخاص است؛ از این‌رو، نداشتن کارت ضابطیت برخی از مأموران نیروی انتظامی به معنای بودن تحقیقات انجام شده آسیبی نمی‌رساند؛ زیرا مخاطب دستورات مقام قضایی، رؤسای کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها و معاونان نیروی انتظامی هستند که همگی کارت ضابطیت دارند. گزارش‌هایی که توسط مراجع انتظامی به دادستان ارائه می‌شود هم توسط رؤسا و معاونان مذکور امضاء و ارسال می‌شود؛ در نتیجه ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری همواره رعایت می‌شود. (عابدی، احمدرضا، آیین دادرسی کیفری، مرکز آموزش قوه قضاییه، چاپ دوم، ص ۱۷۰)

۸- آنچه که دادیار یا بازپرس باید به آن توجه کند، رعایت محدوده ضابطیت است؛ زیرا همانطور که بیان شد ضابطان به دو دسته ضابطان عام و خاص تقسیم می‌شوند. در ضابط عام صرفاً باید به کارت ضابطیت توجه شود و با توجه به عام بودن وظیفه با مشکلی مواجه نخواهیم بود؛ اما در ضابطان خاص علاوه بر اینکه ضابطیت ایشان باید از طریق بررسی کارت ضابطیت احراز گردد، از جهت محدوده انجام وظیفه نیز باید به ضابطیت ایشان توجه شود؛ زیرا اگر خارج از محدوده ضابطیت وظیفه‌ای به عهده ایشان قرار دهیم، تحقیقات ایشان فاقد اعتبار خواهد بود؛ در واقع انجام تحقیقات توسط غیرضابط خواهد بود و احالۀ تحقیقات به غیرضابط تخلف انتظامی است. (همان، ص ۱۷۱)

برخی قوانین مرتبط

ماده ۱ قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب ۷۱/۱/۱: «به نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اجازه داده می‌شود، همانند ضابطین قوه قضاییه، هنگام برخورد با جرائم مشهود، در صورت عدم حضور ضابطین دیگر و یا عدم اقدام به موقع آن‌ها و یا اعلام نیاز آنان، به‌منظور جلوگیری از امحاء آثار جرم و فرار متهم و تهیه و ارسال گزارش به مراجع قضایی، اقدامات قانونی لازم را به عمل آورند.»

ماده ۳۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲: «وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی موظفاند با هماهنگی مرجع ذی‌صلاح قضایی، خود یا بنا بر اعلام دستگاه کاشف، شبکه‌های اصلی، گروه‌های سازمان‌یافته قاچاق کالا و ارز و دارایی‌های آن‌ها را شناسایی و اقدام به تشکیل پرونده و تکمیل تحقیقات نمایند.»

از لایحه قانونی راجع به مأموران سازمان قند و شکر که مأمور کشف و تعقیب جرائم مربوط به اخلال‌کنندگان در امر عرضه، توزیع و یا فروش قند و شکر می‌شوند مصوب ۱۳۵۹/۴/۲۱ شورای انقلاب: مأمورین سازمان قند و شکر که برحسب احکام سازمان مزبور مأمور کشف و تعقیب جرائم مذکور در قوانین

جزایی مربوطه می‌شوند در ردیف ضابطین دادگستری محسوب و از این حیث تحت تعلیمات دادستان محل انجام‌وظیفه خواهند کرد. به‌موجب ماده ۵۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری نسخ شد.

تبصره ۱ ماده ۴ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۸۷ مجلس شورای اسلامی و ۱۳۹۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «وزارت اطلاعات نیز در پرونده‌های فساد مالی کلان ضابط قوه قضائیه محسوب می‌شود.»

ماده ۲۰۵ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰): «وزارت اطلاعات موظف است با هدف دفاع از حاکمیت و منافع ملی و تقویت تعامل با جامعه اطلاعاتی و پیشگیری و مقابله با تهدیدات و تهاجم اطلاعاتی و امنیتی داخلی و خارجی به‌ویژه استکبار جهانی اقدامات زیر را انجام دهد: الف- ارتقاء کمی و کیفی زیرساخت‌های اطلاعاتی با هدف تحکیم و تقویت امنیت پایدار و فراگیر ب- پیشگیری و مقابله با فساد و اختلال در امنیت اقتصادی، جرائم سازمان‌یافته ضد امنیتی، اقدامات تروریستی و تهدیدات نرم امنیتی در مقام ضابط دادگستری ج- ایجاد و گسترش زیرساخت‌ها و سازوکارهای لازم برای مشارکت هرچه بیشتر مردم در راستای تقویت و تحکیم امنیت پایدار کشور آئین‌نامه این ماده حداکثر تا پایان سال اول برنامه توسط وزارت اطلاعات و با همکاری معاونت تهیه و به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد.»

اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۶۱/۰۶/۱۵:

ماده ۲- مبارزه قانونی با عوامل و جریان‌هایی که درصدد خرابکاری، براندازی نظام جمهوری اسلامی و یا اقدام علیه انقلاب اسلامی ایران می‌باشند.

ماده ۳- مبارزه قانونی با عواملی که با توسل به قوه قهریه درصدد نفی حاکمیت قوانین جمهوری اسلامی باشند. ماده ۴- اقدام همانند دیگر نیروهای انتظامی در جهت خلع سلاح کسانی که بدون مجوز قانونی اسلحه و مهمات حمل و نگهداری می‌نمایند.

ماده ۵- همکاری با نیروهای انتظامی در مواقع لزوم، در جهت برقراری نظم و امنیت و حاکمیت قانون در کشور.

تبصره- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در زمینه‌ی مأموریت‌های مذکور در مواد فوق به‌عنوان ضابط قوه قضائیه عمل می‌کند.

از بخشنامه دادستان کل کشور در خصوص حفظ حقوق بیت‌المال و منابع طبیعی و محیط‌زیست به دادستان‌های عمومی و انقلاب سراسر کشور سال ۱۳۹۵: ۲. نظر به ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع و ماده ۱۹ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ و ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳/۳/۲۸ و بند ب ماده ۲۹ و ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری و آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری مورخ ۱۳۹۴/۷/۴ مصوب رئیس محترم قوه قضائیه احراز عنوان ضابط دادگستری نیاز به طی دوره‌های آموزشی و تعلیمات خاص و صدور کارت ویژه ضابطان می‌باشد. دادستان‌ها در برگزاری آموزش ضابطین (مأمورین سازمان جنگل‌ها و محیط‌زیست) اهتمام لازم را داشته باشند و پس از صدور کارت، از محول کردن امور مربوط به ضابطیت به دیگر نیروهای ضابط به‌جز در موارد ضروری خودداری نمایند.

ماده ۶۰۲ ق.آ.د.ک: «ضابطان نظامی مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان نظامی و دیگر مقامات قضائی مربوط در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن متهم و جلوگیری از فرار و یا مخفی‌شدن او، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی به موجب قانون اقدام می‌کنند.»

ماده ۶۰۳ ق.آ.د.ک: «مأموران زیر پس از کسب مهارت های لازم و اخذ کارت مربوط ضابط نظامی می‌باشند:

الف - مأموران دژبان نیروهای مسلح
ب - مأموران حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح در چهارچوب مأموریت‌ها و وظایف قانونی

پ - مأموران بازرسی و قضائی نیروهای مسلح
ت - فرماندهان، افسران و درجه‌داران آموزش‌دیده نیروی انتظامی

ث - افسران و درجه‌داران نیروهای مسلح در جرائم مشهود در صورت عدم حضور سایر ضابطان نظامی

ج - مقامات و مأمورانی که به‌موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط نظامی محسوب می‌شوند.

تبصره ۱- رؤسا، معاونان و مأموران زندان‌ها و بازداشتگاه‌های نظامی در امور مربوط به زندانیان نظامی و همچنین مأموران حفاظت اطلاعات وزارت اطلاعات نسبت به جرائم کارکنان وزارت مزبور که در صلاحیت رسیدگی سازمان قضائی است، ضابط نظامی محسوب می‌شوند.

تبصره ۲- کارکنان وظیفه، ضابط نظامی محسوب نمی‌شوند، اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسؤولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان نظامی است و این مسؤولیت نافی مسؤولیت کارکنان وظیفه نیست.

تبصره ۳- اجرای تصمیمات و دستورهای مراجع قضائی عمومی در یگانهای نظامی و انتظامی به‌عهده ضابطان نظامی مربوط است.»

توضیحات تکمیلی

۱- شروط ضابطیت

مقنن در ماده ۲۸ «سه شرط لازم» برای ضابطان دادگستری عنوان نموده است: اول؛ مأمور بودن، دوم؛ تحت نظارت و تعلیمات دادستان بودن و سوم؛ به موجب قانون اقدام نمودن. از میان شروط مزبور، همانطور که در ادامه توضیح داده خواهد شد، مأمور بودن شرط اولیه و دو شرط بعدی شروط ثانویه ضابطیت تلقی می‌شوند.

شرط اولیه: مأمور بودن ضابطان دادگستری

بدیهی است تمام افراد جامعه نمی‌توانند وارد فرآیند احراز عنوان «ضابط دادگستری» شوند؛ بلکه فقط کسانی می‌توانند که دارای پیش‌شرط لازم در این

زمینه باشند. این پیش شرط که باعث می شود فرد مجاز به ورود به فرآیند «احراز عنوان ضابط دادگستری» و در نهایت عهده دار وظایف ضابطان گردد، در مفهوم «مأمور بودن» نهفته است؛ به عبارت دیگر می بایست مأمور بودن را به عنوان شرط اولیه (پیش شرط لازم) ضابطیت مطرح نمود.

الف - مفهوم مأمور بودن ضابطان دادگستری

از لحاظ لغوی مأمور یعنی «آن کسی که برای انجام کاری، معین و منصوب می شود» یا «امر کرده شده و حکم کرده شده و فرموده شده و محکوم» یا «کسی که به او امر شده کاری انجام دهد». در ترمینولوژی حقوق نیز کلمه مأمور این گونه تعریف شده است: «کارمند فرودست صاحب مقام دولتی (یا موسسات عامه) که موظف به اجرای دستورهای آن مقام در رابطه با حقوق و تکالیف مردمان است. مانند مأمور احضار، مأمور پست، مأمور اجرا، مأمور ابلاغ و احضار، مأمور بانک».

همان طور که مشاهده می شود تعاریف فوق در سه مؤلفه اشتراک دارند؛ اول: وجود کسی که امر کرده است، دوم: وجود کسی که امر شده است و سوم: وجود موضوع مورد امر یعنی خود امر؛

از طرفی در مباحث حقوقی برای مأمور تلقی نمودن فرد، می بایست هریک از مؤلفه های مزبور دارای ویژگی های معینی نیز باشند؛ یعنی نمی توان هر فردی را که از سوی فرد دیگر موظف به انجام کار معینی شده است، مأمور تلقی نمود مگر این که فرد امرکننده، فرد امر شونده و همچنین موضوع مورد امر دارای ویژگی های معینی باشند. مهم ترین این ویژگی ها که در تعریف اصطلاحی کلمه مأمور نیز مورد اشاره قرار گرفته است عبارتند از این که: مأمور باید کارمند (مستخدم) و فرودست باشد. آمر باید صاحب مقام رسمی و ذی صلاح باشد و موضوع مورد امر نیز باید قانونی و در رابطه با حقوق و تکالیف مردمان باشد؛ بنابراین هرچند پسری که از سوی پدرش موظف به تمیز کردن خودرو شده به نوعی مأمور است، لیکن هیچ گونه اثر حقوقی به عنوان آمر و مأمور متوجه این پدر و پسر نیست.

این ویژگی‌ها در تعیین مسئولیت کیفری مأموران نیز مورد استفاده مقنن قرار گرفته است؛ آنجا که در ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی مقرر نموده: «هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند لکن مأموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است، اجراء کرده باشد، مجازات نمی‌شود و در دیه و ضمان تابع مقررات مربوطه است.»

در این ماده مشخص است که ویژگی «قانونی بودن» برای امر صادره، ویژگی «مقام رسمی بودن» برای آمر و ویژگی «کارمند فرودست بودن» برای مأمور لحاظ گردیده تا امر محول شده توجیه قانونی و قابلیت اجرا پیدا کند. البته قانون‌گذار در بند پ ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی ویژگی «شرعی بودن» را نیز برای امر صادره لازم دانسته است.

با روشن شدن مفهوم «مأمور بودن» حال باید دید چگونه می‌توان این مفهوم را به عنوان «پیش شرط لازم» در خصوص ضابطان دادگستری توجیه نمود. به عبارت دیگر باید دید منظور از عبارت «مأموران» در ماده ۲۸ ق.آ.د.ک چیست؟ اگر عنوان شود: ضابطان دادگستری مأمورند؛ زیرا کارمند فرودست مقامات قضایی محسوب شده و همواره موظف به انجام اوامر صادره از سوی ایشان هستند؛ در اینصورت باید قبول کرد که تمام اقدامات ضابطان دادگستری می‌بایست حسب دستور مقامات قضایی باشد؛ چراکه در غیراینصورت اگر اقدامی بدون دستور قضایی از سوی ضابطان انجام شود، قاعدتا به دلیل عدم آمر و موضوع امر، مأمور بودن ایشان منتفی می‌گردد؛ از طرفی با منتفی شدن شرط لازم مأمور بودن، به طریق اولی ضابط بودن ایشان نیز منتفی خواهد شد.

بدیهی است که این دیدگاه صحیح نیست؛ زیرا به موجب قانون، حالت‌هایی وجود دارد (مانند تحقیق در جرایم غیرمشهود، اقدام لازم در جرایم مشهود)، که ضابطان دادگستری رأساً و بدون هرگونه دستور قضایی اقدامات قانونی لازم را انجام می‌دهند؛ مانند اقدامات قانونی که به استناد ماده ۴۴ ق.آ.د.ک و در مواجهه با جرایم مشهود صورت می‌دهند. قاعدتا براساس دیدگاه مزبور، ضابطان

دادگستری در این حالات مأمور تلقی نمی‌شوند؛ چراکه در اینگونه موارد نه مقام مافوق رسمی وجود دارد و نه امر قانونی صادره؛ بنابراین ضابطان دادگستری نه تنها مأمور محسوب نمی‌شوند، بلکه به دلیل از بین رفتن پیش شرط مأمور بودن، ضابط دادگستری نیز محسوب نخواهند شد. به دیگر بیان، در صورت قبول دیدگاه فوق باید عنوان کرد پیش شرط مأمور بودن برای ضابطان دادگستری مقطعی است و نه مستمر؛ بدین معنا که هرگاه ضابطان دادگستری دستورات قضایی را انجام می‌دهند، مأمور و ضابط دادگستری هستند و هرگاه رأساً مبادرت به اقدامی می‌نمایند، مأمور و ضابط دادگستری نیستند.^۱

این در حالی است که شرایط تعیین شده برای ضابطان دادگستری در ماده ۲۸ ق.آ.د.ک، شروط مستمر است و منتفی شدن هر کدام از آنها در هر مقطع منتفی شدن عنوان ضابط دادگستری را در پی خواهد داشت.

با این اوصاف «پیش شرط لازم مأمور بودن» برای ضابطان دادگستری می‌بایست از دیدگاه دیگر مورد بررسی قرار گیرد؛ دیدگاهی که بتواند وجود این پیش شرط را در هر حالتی توجیه نماید. این دیدگاه را می‌توان به شرح زیر عنوان کرد:

ضابطان دادگستری قبل از آن که وارد فرآیند احراز عنوان ضابط دادگستری شوند، کارمند و مستخدم سازمان متبوع خود هستند؛ همانند کارکنان سازمان نیروی انتظامی، سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات، سازمان زندان‌ها، جنگل‌بانی، شکاربانی، سازمان بنادر و کشتیرانی، شرکت‌های هواپیمایی و... سازمان‌هایی که هر کدام با توجه به وظایف، اهداف و ساختار خود، افراد متناسب را برابر با قوانین و مقررات خاصی گزینش و استخدام می‌نمایند؛ در نهایت نیز مستخدمین پس از سپری نمودن دوره‌های آموزشی و کسب مهارت‌های لازم، در شغل سازمانی

۱- به عنوان نمونه نک به: مرزهای قانونی ضابطان قضایی تا کجاست؟ سایت تابناک، کد خبر: ۷۸۰۶۴۶، تاریخ انتشار: ۱۶ اسفند ۱۳۹۶- ۱۷:۰۰ در این نوشته صراحتاً عنوان شده است که «... نیروی انتظامی و بسیج تمام فعالیتشان به عنوان ضابط قضایی محسوب نمی‌شود و زمانی به این عنوان عمل می‌کنند که تحت دستورات قضایی و برای پرونده خاصی کار کنند..»

تعریف شده با سلسله مراتب معینی به کارگیری می‌شوند. بنابراین افرادی که وارد فرآیند احراز عنوان ضابط دادگستری می‌شوند در واقع مستخدمین سازمان‌های مشخصی هستند که برابر مقررات استخدامی مربوطه در آن سازمان استخدام و مشغول به خدمت شده‌اند.

بدیهی است این مستخدمین نمی‌توانند به اختیار خود، با رها کردن وظیفه و پست سازمانی و یا همزمان با آن، عنوان و وظیفه‌ای از سازمان دیگر را عهده‌دار شوند؛ بلکه می‌بایست برابر قانون به ایشان مأموریت داده شود تا در سازمان دیگری انجام وظیفه کنند. این حالت در ماده ۱۱ قانون استخدام کشوری به «مأموریت» تعبیر و این‌گونه تشریح شده است: «مأموریت عبارت است از محول شدن وظیفه موقت به مستخدم غیر از وظیفه اصلی یا عادی که در پست سازمانی خود دارد.»

بدین ترتیب کارمندانی که از سازمان متبوع خود مأموریت یافته‌اند تا در سازمانی دیگر وظیفه‌ای را انجام دهند، در سازمان جدید اساساً «مأمور» تلقی خواهند شد؛ چراکه از طرف مدیران، رؤسا و فرماندهان سازمان خود (مقام ذیصلاح)، امر مورد تصریح قانون، به ایشان محول شده است و ایشان به استناد ماده ۵۴ قانون استخدام کشوری موظف به اجرای آن هستند.

بنابراین باید گفت: پیش شرط لازم مأمور بودن ضابطان دادگستری ناظر به این موضوع است که افراد مذکور کارکنان مشخص از سازمان‌هایی هستند که بنابر حکم قانون، جهت احراز عنوان ضابط دادگستری و انجام وظایف مرتبط، به قوه قضاییه معرفی شده‌اند. بدین ترتیب مشخص می‌شود که «مأمور بودن» «پیش شرط لازم و مستمر» ضابطیت است و افراد فاقد این پیش شرط، نمی‌توانند وارد فرآیند احراز عنوان ضابط دادگستری شده و این عنوان را احراز نمایند.

در تایید این مطلب می‌توان به تبصره ماده ۱۵ آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری نیز استناد نمود؛ بر اساس این تبصره «کارت مذکور [کارت ویژه ضابط دادگستری] در مواردی از قبیل بازنشستگی، فوت، اخراج، از دست دادن صلاحیت و یا تغییر سمت و انتصاب در شغلی که ضابط بودن آن‌ها منتفی

شود باید توسط سازمان متبوع فوراً اخذ و جهت ابطال به مرجع قضایی مربوط تحویل شود.»

ناگفته مشخص است که مصادیق ابطال کارت ویژه ضابط دادگستری در این تبصره، مصادیقی هستند که دقیقاً «پیش شرط لازم و مستمر مأمور بودن» ضابطان را تحت الشعاع قرار می‌دهد؛ بنابراین چنانچه «مأمور بودن» کارمند مورد خدشه قرار گیرد، اساساً ضابط بودن وی نیز منتفی خواهد شد.

خاطر نشان می‌گردد ماده ۲ آیین نامه اجرایی عنوان ضابط دادگستری مصوب ۱۳۹۴/۶/۳۱ اشعار می‌داشت: «فرماندهان و افسران و درجه داران نیروهای انتظامی با یک برنامه ریزی تعیین شده از سوی فرمانده نیروی انتظامی هر حوزه قضایی جهت احراز عنوان ضابط دادگستری باید دادستان و در بخش‌ها به رئیس حوزه قضایی بخش معرفی گردند...» که این «معرفی» در واقع همان «مأموریت» از سوی سازمان متبوع قلمداد می‌شد. این در حالی است که ماده ۲ آیین نامه مزبور در تاریخ ۱۳۹۸/۰۶/۰۱ به شرح زیر تغییر یافت:

«فرماندهان نیروی انتظامی حوزه‌های قضایی بخش، شهرستان و استان‌ها و کلیه افسران و درجه دارانی که وظیفه سازمانی آن‌ها مبارزه با انواع جرایم و پیشگیری از وقوع جرم می‌باشد، مکلفند با اعلام دادستان دوره‌های آموزشی لازم را زیر نظر مرجع قضایی مربوط طی نموده و کارت ویژه ضابط دادگستری را دریافت کنند.»

ب- شرایط مأموران به عنوان ضابطان دادگستری

بدیهی است کارمندان موصوف می‌بایست علاوه بر مأمور بودن، واجد شرایط دیگری نیز باشند تا بتوانند عنوان ضابط دادگستری را احراز نمایند؛ شرایطی که در مواد ۲۹ و ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری مورد تصریح قرار گرفته‌اند. در واقع باید گفت مقنن در ماده ۲۸ «پیش شرط مأمور بودن» و در مواد ۲۹ و ۳۰ «شرایط مأمور» را عنوان نموده است؛ شرایطی که وجود آنها به نوعی در مواد

مختلفی از «آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری»^۱ از جمله مواد دوم، چهارم و نهم نیز مورد تأکید قرار گرفته است. این شرایط عبارتند از:

شرط اول: آموزش

همان‌طور که اشاره شد این ویژگی در بند الف ماده ۲۹ و همچنین ماده ۳۰ مورد تصریح قانون‌گذار قرار گرفته است. به موجب مواد مزبور، مأموران مندرج در ماده ۲۸ می‌بایست دوره‌های آموزشی را سپری و مهارت‌های لازم را کسب نمایند.

سپری نمودن دوره‌های آموزشی و کسب مهارت‌های لازم امری بدیهی و لازم است و به عبارتی باید گفت سپری نمودن دوره‌های آموزشی «حق» ضابطان دادگستری است؛ زیرا همان‌طور که اشاره شد ضابطان دادگستری در واقع کارمندانی هستند که در سازمانی دیگر و در راستای نیازهای آن سازمان آموزش دیده و مهارت کسب نموده‌اند؛ مثلاً کارکنانی که در پلیس اطلاعات و امنیت عمومی نیروی انتظامی خدمت می‌نمایند در دوره‌های آموزشی خود در آموزشگاه یا دانشگاه علوم انتظامی عموماً دروس مرتبط با سازمان‌های اطلاعاتی مختلف، اصول جمع‌آوری و پرورش اخبار، مشاهده و توصیف و مواردی از این قبیل را فرامی‌گیرند و صرفاً چندین واحد، آن‌هم به صورت کلی در خصوص مباحث حقوقی سپری می‌نمایند. بنابراین لازم است برای شناخت و انجام وظایف جدید و حرکت در مسیر تحقق اهداف و وظایف قوه قضاییه، مهارت‌های مرتبط را از طریق آموزش‌های تخصصی فراگیرند.

نکته قابل ذکر اینکه به طور کلی ضابطان دادگستری در دو مرحله دوره‌های آموزشی را سپری می‌نمایند:

مرحله اول «آموزش‌های بدو خدمت» و مربوط به مرحله «احراز عنوان

۱- آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری نخست در تاریخ ۱۳۹۴/۰۶/۳۱ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسید و مدتی اجراء شد. سپس در تاریخ ۱۳۹۸/۰۶/۰۱ آیین‌نامه مذکور توسط رئیس قوه قضاییه لغو شد و آیین‌نامه دیگری با همین عنوان تصویب و از تاریخ تصویب لازم‌الاجراء اعلام گردید. (نک به خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ پانزدهم، ص ۷۶)

ضابط دادگستری» است؛ بدین ترتیب که تمام مأمورینی که قرار است وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری را بر عهده بگیرند می‌بایست در این آموزش‌ها شرکت و «گواهی گذراندن دوره آموزش و قبولی در آزمون» را دریافت نمایند؛ در غیر اینصورت عنوان ضابط دادگستری به ایشان اطلاق پیدا نخواهد کرد؛ زیرا علاوه بر تاکید ماده ۳۰ ق.آ.د.ک، به استناد ماده ۱۲ آیین نامه اجرایی، «کارت ویژه ضابطان دادگستری پس از احراز وثاقت ضابط و دریافت گواهینامه گذراندن دوره آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و به دستور دادستان توسط نهاد متبوع ضابط صادر می‌شود.» گواهینامه مزبور نیز صادر نخواهد شد مگر «برای کسانی که به معرفی دادستان، به صورت حضوری و یا مجازی در برنامه آموزشی ضابطان شرکت و در آزمون مربوط نمره قبولی کسب نمایند»^۱. بنابراین چنانچه مأموران معرفی شده از سوی دادستان، گواهینامه گذراندن این دوره را اخذ نکنند، صدور کارت مزبور برای ایشان منتفی است و بدین ترتیب اساسا در زمره ضابطان دادگستری قرار نخواهند گرفت.

از طرفی تکلیف افرادی که در دوره‌های مذکور شرکت می‌نمایند لیکن موفق به کسب نمره قبولی نمی‌شوند نیز در ماده ۱۱ آیین‌نامه مزبور مشخص شده است؛ براین اساس «مرجع آموزش ضابطان دادگستری می‌تواند به کسانی که در برنامه آموزشی ضابطان شرکت کنند ولی نمره قبولی کسب نمایند دو ماه مهلت دهد تا خود را برای آزمون مجدد آماده کنند و در صورت قبولی، گواهی گذراندن دوره آموزشی و قبولی در آزمون صادر نماید و در صورت عدم قبولی باید به دستگاه متبوع آنان اعلام گردد یا از ضابط بودن آنان صرف نظر شود و یا حداقل پس از یکسال در صورت احراز آمادگی جهت آزمون (سوم) معرفی شوند.»

اهداف دوره‌های آموزشی در این مرحله که توسط «معاونت منابع انسانی قوه قضاییه» طراحی و اجرا می‌شود نیز عبارت است از: «الف- ارتقای دانش حقوقی ب- توانمندسازی و افزایش مهارت شغلی پ- کمک به افزایش سطح

۱- ماده ۱۰ آیین نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری

کیفی مرحله کشف جرم در نظام دادرسی کیفری ت- کمک به سرعت و دقت در رسیدگی‌های کیفری ث- آموزش مهارت‌های رفتاری از قبیل رعایت حقوق شهروندی و کرامت انسانی اشخاص ج- آموزش سامانه مدیریت پرونده قضایی (سمپ) در زمینه ورود اطلاعات و مکاتبات مکانیزه با مراجع قضایی.»

«از طریق دوره‌های آموزشی مربوط، دانش‌آموختگان باید به توانایی‌های لازم از جمله موارد زیر نائل گردند: الف- شناخت موضوعات مهم و اساسی حقوق کیفری ماهوی ب- شناخت موضوعات مربوط به صلاحیت و تشکیلات سازمان‌های کیفری پ- توانایی تشخیص نحوه تفکیک جرایم مشهود از غیرمشهود ت- تشخیص نوع وظایف و اختیارات آنها در جرایم مشهود و غیرمشهود ث- توانایی تشخیص مسئولیت‌های کیفری و مدنی ناشی از اعمال زیان‌بار ضابطان ج- توانایی و شناخت لازم جهت همکاری و تعاون با سایر مراجع قضائی در امور کیفری چ- شناخت ادله اثباتی جرم و آثار آن.»

در صورتی که مأموران معرفی شده از سوی دادستان در دوره‌های آموزشی بدو خدمت شرکت و موفق به تحصیل کارت ویژه ضابط دادگستری شوند، نوبت به آموزش‌های مرحله دوم می‌رسد. این آموزش‌ها «دوره‌های آموزش‌های حین خدمت» است که به استناد تبصره ۱ ماده ۳۰ ق.آ.د.ک می‌بایست به طور مستمر توسط دادستان برگزار شوند. البته «دادستان می‌تواند دوره‌های آموزشی ضابطان را به معاونت منابع انسانی قوه قضاییه واگذار نماید.»^۱ بنابراین باید گفت این دو مرحله مکمل یکدیگر هستند و می‌بایست به منظور شروع اجرای قانون و استمرار حرکت در مسیر رسیدن به آرمان‌های آن، نسبت به اجرای هر دو مرحله اهتمام ورزید.

خاطر نشان می‌گردد تبصره ۱ ماده ۱۴ آیین نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری سابق، مصوب ۱۳۹۴/۰۶/۳۱ اشعار می‌داشت: «تمدید کارت مذکور [کارت ویژه ضابطان دادگستری] منوط به شرکت ضابطان در دوره‌های آموزشی

۱- ماده ۸ آیین نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری

حین خدمت و قبولی در این دوره می‌باشد؛ که برهمن اساس عدم اجرای هر کدام از مراحل آموزشی (بدو و حین خدمت)، منجر به منتفی شدن صدور یا تمدید کارت ویژه ضابطان دادگستری می‌شد لیکن در حال حاضر تبصره مزبور به شرح زیر تغییر یافته است: «تمدید کارت مذکور منوط به تایید استمرار وثاقت توسط دادستان است.»

به هر حال موضوع آموزش و تعلیم ضابطان دادگستری در صورت تحقق، می‌تواند زمینه‌ساز تحولی عظیم و خوشایند در احقاق حقوق افراد، جامعه و برقراری نظم و امنیت عمومی گردد؛ چراکه به هر حال ضابطان دادگستری نقش اساسی و غیرقابل انکاری در فرآیند دادرسی کیفری علی‌الخصوص در اولین مرحله آن برعهده دارند. به همین دلیل نباید موضوعی به این مهمی، کم اهمیت و بعضاً «فراموش شده» تلقی شود و صرفاً به ارائه آمارها، گزارشات و ... بسنده گردد. با این اوصاف بهتر آن است اینک که چندین سال از اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مبتنی بر «ضابط آموزش دیده» سپری شده است، ثمره و بازخورد دوره‌های آموزشی و جنبه‌های مختلف آن، احصاء و مورد بررسی دقیق قرار گیرد تا بتوان دقیق‌تر و کاربردی‌تر نسبت به برطرف نمودن نقاط ضعف تقویت نقاط قوت آن اقدام نمود.

شرط دوم: تحصیل کارت ویژه ضابط دادگستری

«کارت ویژه ضابط دادگستری کارتی است متحدالشکل، حاوی عکس، هویت، شماره شناسائی اختصاصی، حوزه محل اشتغال و تاریخ صدور که به دستور دادستان و امضای مقام مجاز سازمان متبوع صادر می‌شود و معرف آن است که صاحب کارت، مجاز به انجام وظایف محوله به عنوان ضابط دادگستری می‌باشد.»^۱

۱- همان، بند ب ماده ۱. لازم به ذکر است بند ب آیین نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری سابق اشعار می‌داشت: «کارت ویژه ضابط دادگستری کارتی است متحدالشکل که حاوی عکس و هویت، شماره شناسائی اختصاصی، حوزه محل اشتغال و تاریخ صدور و امضاء دادستان می‌باشد و معرف آن است که صاحب کارت، مجاز به انجام وظایف محوله به عنوان ضابط دادگستری می‌باشد.»

در تکمیل مطالبی که در بالا اشاره شد همچنین باید گفت اهمیت تحصیل کارت مزبور به اندازه‌ای است که مقنن تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت را ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار اعلام کرده است.^۱ از طرفی به استناد تبصره ماده ۳۲ «ارجاع امر از سوی مقام قضایی به مأموران یا مقاماتی که حسب قانون، ضابط تلقی نمی‌شوند، موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.» همچنین در ماده ۵۸ نیز ضابطان دادگستری را موظف نموده است «به هنگام ورود به منزل، اماکن بسته و تعطیل، ضمن ارائه اوراق هویت ضابط بودن خود، اصل دستور قضایی را به متصرف محل نشان دهند...» که اوراق هویت ضابط بودن در واقع همان کارت ویژه ضابطان دادگستری است. بنابراین باید گفت شرط دومی که مأموران می‌بایست جهت انجام وظایف ضابطان دادگستری واجد آن باشند، تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است.

شرط سوم: وثاقت و مورد اعتماد بودن

این شرط نیز در ماده ۳۰ مورد تصریح قرار گرفته است. ظاهر امر این است که تایید وثاقت و مورد اعتماد بودن مأموران با سازمانی است که ایشان را جهت احراز عنوان ضابطیت معرفی می‌کند؛ موضوعی که در ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی و در خصوص ضابطا خاص، بدان تصریح و عنوان شده است «هریک از دستگاه‌ها، در موارد مصرح قانونی، ضابطان خاص خود که وثاقت و مورد اعتماد بودن آنان بر اساس قوانین و مقررات تعیین صلاحیت شغلی کارکنان، مورد تایید باشد را تعیین و جهت آموزش اولیه به دادستان معرفی می‌نماید.»

به بیان دیگر باید چنین پنداشت که اصل بر وثاقت و مورد اعتماد بودن مأمورانی است که از سوی سازمان‌ها جهت احراز عنوان ضابطیت به دادستان معرفی شده‌اند، مگر آنکه خلاف آن پس از احراز عنوان ضابطیت و در مسیر انجام وظایف محوله، اثبات شود؛ چراکه قاعدتاً سازمان‌های مزبور، جهت استخدام

کارکنان خود، مراحل گزینش و استخدام را برابر قوانین و مقررات مربوطه اجرا و ایشان را پس از احراز صلاحیت و شرایط لازم استخدام می‌کنند. از طرفی تمام سازمان‌هایی که کارکنان خود را به عنوان ضابط دادگستری به دادستان معرفی می‌کنند، در شرایط استخدامی خود، به نحوی بر فضائل اخلاقی و وثاقت و مورد اعتماد بودن افراد تاکید دارند. مضافاً اینکه چگونه می‌توان قبل از محول نمودن وظایف ضابطان دادگستری به مأمورین، وثاقت و مورد اعتماد بودن ایشان را در خصوص این وظایف تعیین نمود؟

اما به نظر می‌رسد مقنن در ماده ۳۰ ق.آ.د.ک اصل را بر عدم وثاقت و مورد اعتماد بودن مأموران مزبور نهاده است؛ موضوعی که به نوعی در تبصره ماده ۱۵۲ نیز مجدداً مورد تاکید قرار گرفته است. مقنن در این تبصره اشعار داشته: «موارد ضرورت بازرسی مکاتبات و مراسلات محکومان، به تشخیص دادگاه به وسیله مأموران مورد اعتماد زندان اعمال می‌گردد و پس از تأیید، حسب مورد ارسال یا به محکوم تسلیم می‌شود. در صورت عدم تأیید، مکاتبات و مراسلات ضبط و مراتب به اطلاع دادگاه می‌رسد.» حال اگر مأموران زندان را «ضابطان خاص دادگستری» فرض کنیم، قانونگذار در این مقررہ ایشان را صراحتاً به دو دسته تقسیم کرده است: ضابطانی که مورد اعتماد هستند و ضابطانی که مورد اعتماد نیستند!

خاطر نشان می‌گردد احراز وثاقت و مورد اعتماد بودن مأمورین توسط دادستان، پس از آنکه مدتی به عنوان ضابط دادگستری انجام وظیفه نمودند، موضوعی است اصولی؛ کمابینکه در ماده ۱۴ آیین نامه اجرایی نیز، تمديد کارت ویژه ضابط دادگستری را منوط به «تأیید استمرار وثاقت توسط دادستان» نموده، لیکن سؤالی که مجدداً لازم است مطرح شود این است که دادستان با عنایت به حاکمیت اصل برائت، بر چه اساسی می‌تواند وثاقت و مورد اعتماد بودن مأمورینی که هنوز تحت نظارت و تعلیمات وی انجام وظیفه ننموده‌اند، تأیید نماید؟

با این اوصاف بهتر آن بود که قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری